

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښت تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، ۲۲ اپریل ۲۰۰۹

سر خَم و دستِ دراز

ارمغان استعمار، فرهنگ انقیاد!!!

وقتی عنوان "سر خَم و دستِ دراز" از نظر خواننده گرانقدر پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" میگذرد، شاید بفکر اندر گردد، که مثل همیشه امثالی را باز میگویم (۱)؛ از قبیل "سر خَم بود سلامت، شکند اگر سبویی" و یا "پول گردد و بازار دراز". مگر اینطور نیست، لا اقل در این مقاله و ضمن این نوشته مختصر. گزارش مصور روز ۲۰ اپریل ۲۰۰۹، پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان"، از پیش دیده ام گذشت. گزارشگران ارجمند که از کران کران وطن مطالب جالب و دست اول را در اختیار پورتال قرار میدهند، این بار خبری مصور را از مکتبی در ولسوالی امام صاحب ولایت قندز تهیه کرده و تقدیم خوانندگان صفحه "آزادگان" کرده اند. از جمله فوتوهای ذیل در آن جلوه میفرشند:





هموطن گرانقدرم!

وقتی این فوتوها را می بینی، چه چیزی در ذهنت میگذرد؟؟؟ چه چیزی خاطر عاطرت را می آزارد، وقتی می بینی که عساکر مسلح و ماشیندار بدست قوای اشغالگر در صنف درسی و در برابر متعلمان و آموزندگان نرس و نوباوه ما قرار میگیرند؟؟؟ و یا عساکر مسلح گویا مواد درسی را به شاگردان توزیع مینمایند؟؟؟ تنها اشخاص کوتاهنظر و یا سرسپردگان اجانب خواهند گفت، که اینان هم امنیت مدرسه و مکتبخانه را تأمین میکنند و هم مواد درسی به شاگردان میدهند. کسی که تا این اندازه به اصطلاح عوام "گ..." را تا "په په" تمییز کرده نتواند، با او کاری ندارم. بگذار در فکر گمراه کننده خود بماند و همان فکر تباه را با خود بگور ببرد. مخاطب من کسیست که با فکر باز و ذهن شفاف و روشن می اندیشد و در زندان توهمات استعماری اسیر نگشته است. به چنین هموطن عزیز خود میگویم که :

کارروائی این عساکر المانی، عیناً مُفاد همان ضرب المثل Zuckerbrot und Peitsche المانها را که حاکی از دو جنس متضاد "کلچه و قمچین" است، ترسیم میکند. بلی؛ تطمیع و در عین زمان ارهاب و به رعب انداختن!!! در یکدست، کلچه و شیرینیگک پیش میکنند و در دست دگر تازیانه را آماده نگهدارند. بلی؛ دهان کودکان را شیرین میسازند و در عین زمان از تازیانه شان همی ترسانند. اینان در واقعیت امر فرهنگ مشهور و مجرب استعماری یعنی "تطمیع و ارهاب" (۲) را قدم به قدم تطبیق میکنند، که فرهنگ انقیاد است و فرهنگ سر نهادن و فرهنگ تسلیم

شدن و فرهنگ از خود بیگانگی. برایشان می فهمانند، که اگر سر تسلیم نهادهید، اینست اجر و مزد و مکافات و اگر نافرمانی نمودید، و ا بجان تان!!!! اینان فرزندان ما را با روحیه تسلیم پذیری و زیر سیطره ترس، تحت تربیه گرفته اند و میدانند، که همین کودکان امروز مردان و زنان فردای این خاک خواهند بود و سکان کشتی کشور بدست ایشان خواهد افتید. اینان در واقع برای آینده خود سرمایه گذاری میکنند و افغانانی را بار می آرند، که فقط گوش به فرمان بدار باشند و ذره ای از آزادی و آزادی در مغز و کله شان سراغ نگرند. تنها در آن صورت است، که با خاطر آرام بر مقررات این آب و خاک حکم خواهند چلاند.

اینان میدانند، که باید "افغانیت" را که جوهر "فرهنگ افغانی" افغانان است، از ایشان بگیرند، که دربرگیر غرور است و شهامت و شجاعت و آزادمنشی و آزادی و تسلیم پذیری و عدم انقیاد. ایشان کارها را هدفمندانه در پیش گرفته و هر گام و قدم را سنجیده میگذارند. ایشان گوئی رمز "تسلیم ناپذیری" افغانان را کشف کرده اند، که در "فرهنگ افغانی" ایشان نهفته است. ایشان همین سلاح برنده و بران را از دست اولاد و احفاد و آیندگان میگیرند. بلی؛ ایشان در واقع با تغییر دادن روحیه افغانی میخوانند بر افغانان چیره گردند. ایشان واقعاً که فرهنگ را در خدمت سیاست قرار داده اند، که از ماحصل آن منافع اقتصادی و استعماری و استثماراری آینده خود را میخوانند تأمین نمایند. فرهنگ استعماری همین است.

شیرینتر اینکه قوای اشغالگر بدون هیچگونه هراس این مفکوره را بر زبان می آرند، و میگویند که باید چشم امید افغانستان به "نسلهای آینده" روشن گردد، همان "نسلهای آینده" ای را که همین اکنون با "کلجه و تازیانه" زیر تربیه گرفته اند. ایشان افغانانی را میپرووراند، که بمانند "گدا" و "گدائیگر" دست شان همیشه دراز باشد و کسی که با چنین روحیه ای پرورده شود، غرور ذاتی و مناعت نفس و اتکاء بخود را از وی مجوی!!!! او "خیراتخور"ی خواهد بود، که دستش پیش "خیرات والا" همیشه "دراز" و سرش "خَم" باشد. **امیدوارم که این نیرنگ استعمار نقش بر آب گشته و عبارت "سر خم و دست دراز" حکم ضرب المثل آیندگان ما را پیدا نکند!!!!**

توضیحات :

- ۱ - "باز میگویم" از مصدر "بازگفتن" و در معنای "دوباره و از سر میگویم" است. در عرف ادبیات معاصر از ترکیب "بازگو کردن" کار گرفته میشود، که هرگز حلاوت و اصالت "باز گفتن"، را ندارد. درین باره ضمن مبحث "مصادر بسطی" و "مصادر ترکیبی" در آینده بحث مفصل خواهم نمود.
- ۲ - کلمه "ارهاب" بر وزن "امکان و املاء و اقدام و ایمان" مصدر باب "افعال" و در معنای "ترساندن" است. در زبان دری در عوض این کلمه، کلمه "ارعاب" را استعمال میکنند، به فکر اینکه چنین لغتی در زبان عرب نیز تداول دارد. حقیقت اینست، که "ارعاب"، که از مصدر ثلاثی "رُعِب" ساخته شد، از جمله کلمات "مجعول" عربی و ساخته دری زبانان است. در زبان دری بسا کلمات را به قانون صرف عربی درست کرده و استعمال میکنند، که در زبان عربی بکار نمیروند و لامحاله در هیچ فرهنگ معتبر عربی هم سراغ نمیگردند. کلماتی از قبیل "تنقید"، "موفقیت"، "خجول"، "مَلاک" (با لام مشدد و در معنای "صاحب مال و ملک فراوان")، "تمرکز" و فاعلش متمرکز و غیره "بدست دری زبانان در ایران و افغانستان ساخته شده و استعمال میگردند. کلماتی از قبیل "مفکوره" و مفاهمه" مشخصاً ساخت دری زبانان افغانستان بوده، نه در عربی و نه در فارسی ایران بکار میروند و لابد در قاموس های عربی و فرهنگهای فارسی مدون. ایرانیان هم سراغ نمیگردند.